



Assessing the position of social capital components in the feasibility of regeneration Ineffectual urban texture (Case study: Akhtarabad informal settlement of Karaj City)

Rahmaniasl, M^a., Afzalineniz, M^{b,1}., Heydari, A^c., Mohammadi, M^d

^a Master of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

^b PhD in Geography and Urban Planning, Kerman Governorate, Kerman, Iran.

^c PhD Student in Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

^d Master of Environmental Risk, University of Tehran, Tehran, Iran.

Research Article

ABSTRACT

Objective: The results of the study explain the significant positive relationship between the components of social capital and the feasibility of regeneration in dysfunctional contexts of Akhtarabad neighborhood of Karaj. Also, the results of the study explain the different levels of influence of social capital components on the feasibility of regeneration in dysfunctional contexts of Akhtarabad neighborhood of Karaj.

Methods: The present article is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method. A questionnaire method was used to collect information. The statistical population of the present study is the total population of Akhtarabad neighborhood is 13565 and its sample size is 381. To evaluate the role of social capital in the feasibility of urban regeneration, 6 components of social awareness, social trust, social cohesion, social organization, network and social relations and social participation have been used. Smart PLS and SPSS software were used to analyze the findings. To investigate the relationship between research variables, a structural model at a significant level and to evaluate the role of social capital components on the feasibility of regeneration in dysfunctional contexts, a structural model at the factor load level has been used.

Results: The findings of the structural model at a significant level show a value of T statistic greater than 2.58 for all effective variables of the research and a significant relationship at the level of 99% between them. The findings of the structural model of the research at the factor load level show that the six components of social cohesion, network and social relations, social participation, social trust, social awareness and social organization, respectively, with a path coefficient of 0.378, 0.376, 0.331, 0.324, 0.234 and 0.198 are effective on the feasibility of urban regeneration in dysfunctional tissues of Akhtarabad neighborhood of Karaj.

Conclusion: The results of the study explain the significant positive relationship between the components of social capital and the feasibility of regeneration in dysfunctional contexts of Akhtarabad neighborhood of Karaj. Also, the results of the study explain the different levels of influence of social capital components on the feasibility of regeneration in dysfunctional contexts of Akhtarabad neighborhood of Karaj.

Keywords: Urban Regeneration, Social Capital, Ineffectual Urban Texture, Informal Settlements, Akhtarabad Neighborhood of Karaj.

Received: May 21, 2021 Reviewed: June 29, 2021 Accepted: August 25, 2021 Published online: September 23, 2021

Citation: Rahmani Asl, M., Afzali Naniz, M., Heydari, A., Mohammadi, K (2021). *Assessing the position of social capital components in the feasibility of Ineffectual urban texture (Case study: Akhtarabad informal settlement of Karaj City)*. Journal of Urban Social Geography, 8(2), 133-154. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2050](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2050)

¹ Corresponding author at: Kerman Governorate, Kerman, Iran, Postal Code: 7614633445. Email: afzalimarzieh2@yahoo.com (Marzieh Afzali naniz).



ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعه موردی: سکونتگاه غیررسمی اخترآباد کرج)

محمد رحمانی اصل^a، مرضیه افضلی نینز^b، اصغر حیدری^c، کبری محمدی^d

^a کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^b دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، استانداری کرمان، کرمان، ایران.

^c دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^d کارشناس ارشد مخاطرات محیطی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقاله پژوهشی

چکیده

تبیین موضوع: بازآفرینی یکی از رویکردهای توسعه درون‌زای شهری است که هدف آن ارتقای ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بافت‌های شهری می‌باشد. با توجه به اهمیت بعد اجتماعی در فرآیند بازآفرینی شهری پژوهش حاضر به بررسی نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد در سکونتگاه غیررسمی اخترآباد کرج پرداخته است.

روش: مقاله حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر کل جمعیت محله اخترآباد برابر با ۱۳۵۶۵ است و حجم نمونه آن ۳۸۱ می‌باشد. برای ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی شهری از ۶ مؤلفه آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، تشکل اجتماعی، شبکه و روابط اجتماعی و مشارکت اجتماعی استفاده شده است. از نرم افزار Smart PLS و SPSS جهت تحلیل یافته‌ها استفاده شده است. برای بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق از مدل ساختاری در سطح معناداری و برای ارزیابی نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد از مدل ساختاری در سطح بار عاملی استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های مدل ساختاری در سطح معناداری نشان دهنده مقدار آماره T بیشتر از ۲/۵۸ برای تمامی متغیرهای اثرگذار و اثرپذیر تحقیق و رابطه معنادار در سطح ۹۹ درصد بین آن‌ها می‌باشد. یافته‌های مدل ساختاری تحقیق در سطح بار عاملی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ۶ گانه انسجام اجتماعی، شبکه و روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی و تشکل اجتماعی به ترتیب با مقدار ضریب مسیره‌های ۰/۳۷۸، ۰/۳۷۶، ۰/۳۳۱، ۰/۳۲۴، ۰/۲۳۴ و ۰/۱۹۸ بر تحقق‌پذیری بازآفرینی شهری در بافت‌های ناکارآمد محله اخترآباد کرج تأثیرگذار می‌باشند.

نتایج: نتایج تحقیق تبیین‌کننده رابطه معنادار مثبت بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج می‌باشد. هم‌منطور نتایج تحقیق تبیین‌کننده سطوح تأثیرگذاری متفاوت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی شهری، سرمایه اجتماعی، بافت‌های ناکارآمد شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی، محله اخترآباد کرج.

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۱ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

استناد: رحمانی اصل، محمد؛ افضلی نینز، مرضیه؛ حیدری، اصغر؛ محمدی، کبری (۱۴۰۰). *ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری (مورد مطالعه: سکونتگاه غیررسمی اخترآباد کرج)*. دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۸ (۲)، ۱۳۳-۱۵۴.

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2050](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2050)

مقدمه

افزایش سریع جمعیت، همراه با گسترش سریع شهرنشینی و شهری شدن مشکلات فراوانی را در کشورهای مختلف پیش روی سیاست‌گذاران و مسئولین بخصوص مدیران شهری و دست‌اندرکاران بدنه سیستم شهری به‌جا گذاشته است (Hall, 2016: 320-340). به گونه‌ای که امروزه شهرگرایی و شهرنشینی طبیعتاً مشکلاتی چون فقر شهری، مهاجرت‌های گسترده و کمبود منابع خدماتی، کمبود زیرساخت‌ها، آلودگی و تراکم بیش از حد را برای شهرها به همراه آورده است (Nolan, 2011:18). با توجه به عواملی نظیر نبود فضای کافی برای رفع نیازهای روزانه، عوامل اقتصادی، دگرذیسی کالبدی، عوامل محیطی، بازآفرینی شهری و رویکردهای مشابه آن امری اجتناب‌ناپذیر و محوری تبدیل شده است (Aberbach, 2007: 21). به گونه‌ای که بازآفرینی از جمله رویکردهای توسعه درون‌زای شهری است که می‌تواند در صورت توجه و الزام به رعایت اصول توسعه، پس از اجرا در ارتقای ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی - زیربنایی شهرها نقش بسیار اثرگذاری داشته باشد (Trillo, 2019: 1805-1819).

بر این اساس بازآفرینی شهری در ارتباط با بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روانبخشی به دلیل امکان استفاده از ظرفیت‌های قابل توجه و بی‌بدیل احداث مسکن و توسعه دسترسی به خدمات شهری در آن به عنوان یکی از برنامه‌های سیاست توسعه درون‌زای شهری مفهوم پیدا می‌کند (Coccosis, 2004: 503-524). به گونه‌ای که تمام طرح‌های بازآفرینی شهری در راستای ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی در مناطق مورد نیازمداخله می‌کنند (Kaufmann, 2004: 195-215). از آنجایی که بازآفرینی فرآیندی برای معکوس کردن زوال ویژگی‌های فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف است (Hall, 2016: 320-340). تنها به دنبال باز زنده‌سازی مناطق متروکه نیست، با مباحث گسترده‌تری نسبت به سایر رویکردها، همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به خصوص برای کسانی که در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند، ضرورت پیدا می‌کند. به صورت ایده‌آل، بازآفرینی شهری مشتمل بر فرموله کردن اهداف سیاسی، اجرای آن از طریق برنامه‌های اجرایی و بازنامایی مداوم عملکرد است (Chaline, 2004: 287-309). در این جا است که با مقوله سرمایه اجتماعی گره می‌خورد. سرمایه اجتماعی و فیزیکی در شهر، زیربنای عدالت اجتماعی می‌باشد و مطالعه و تحلیل تغییرات اجتماعی و اقتصادی و رابطه آن با ساخت فضایی شهر، مورد تأکید در مباحث شهر است (Trillo, 2019: 1805-1819). همچنین، سرمایه اجتماعی پیوستگی نیرومندی ایجاد می‌کند و می‌تواند ابزار بنیادین برای سودرسانی به ساکنان بافت‌های ناکارآمد باشد و تعامل مبتنی بر مشارکت را بین ساکنان بافت‌های ناکارآمد گسترش دهد؛ و زمینه را برای طرح‌های بازآفرینی فراهم سازد (Licheng, 2019: 285-309). در این راستا با بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی، ساکنان برای مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌ها تشویق می‌شوند (Creswell, 2019: 295-322). آن‌ها تلاش بیشتری برای مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با سکونتگاه‌ها و محله خود انجام می‌دهند (Coleman, 1988: 72-82). سرانجام این که سرمایه اجتماعی از عوامل اصلی و بنیادین مشارکت ساکنان مطرح می‌شود (Renko, 2017: 63-72).

بدین ترتیب، سرمایه اجتماعی به مثابه یک ویژگی در ناحیه‌های شهری مثبت گفته می‌شود که با آسان‌سازی همکاری‌ها و هنجارها، کنشگر کارسازی در یک محدوده شهری انگاشته می‌شود که می‌تواند زمینه را برای اجرای طرح‌های بازآفرینی پدیدار سازد (Bullen, 2018: 65-72). چون از راه سرمایه اجتماعی، شرایط برای نوآوری و آشکار شدن ایده‌ها در بین ساکنان فراهم می‌شود (Neffke, 2018: 64-77). بر این اساس، سرمایه اجتماعی، به عنوان عاملی از فشرده‌گی و نیرومندی روابط در فضای شهری پشتیبانی می‌کند (Falk, 2019: 458-471). همچنین، سرمایه اجتماعی، زمینه آسان‌سازی همکاری برای ایجاد شبکه‌ها و روابط اجتماعی بین ساکنان محله‌ها را فراهم می‌سازد (Levitte, 2018: 39-50). بنابراین برابری در ارزش‌ها و ایده‌ها را بهبود می‌بخشد (Centre, 2019: 5-24). و از

آنجایی که بازآفرینی شهری یکی از مهمترین رویکردهای اثرگذار بر ساختار شهری به شمار می‌رود، تبیین ارتباط آن با سرمایه اجتماعی دارای اهمیت است (Rasmussen, 2010: 661-683).

اسکان غیررسمی، پدیده‌ای جغرافیایی است که در آن الگوی سکونت نتیجه نابرابری‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف و ضعف برنامه‌ریزی، در سطوح منطقه‌ای و ملی می‌باشد که نتیجه آن‌ها در شهر نمود یافته است. این سکونتگاه‌های نابسامان به گسست کالبدی پاره‌ای از نواحی مسکونی از پیکره کل شهر و کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری - اجتماعی و کیفیت سکونت و همچنین به حاشیه رانده شدن پاره‌ای از گروه‌ها می‌شود (Mukhopadhyay, 2020).

محله اختراآباد یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی شهر کرج می‌باشد که با ۵۹,۱۴ هکتار مساحت در ضلع غربی این شهر قرار گرفته است. بافت فرسوده و ساختمان‌های فاقد استحکام لازم، زیرساخت‌های شهری فرسوده و آسیب‌دیده، کمبود و نبود خدمات و امکانات مختلف بهداشتی، آموزشی و رفاهی، وجود آسیب‌های اجتماعی متعدد در سطح محله، اقتصاد آسیب‌دیده و نبود اشتغال و سطح درآمد بسیار پایین، سکونت اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر در سطح محله، نبود سیستم فاضلاب و وجود آلودگی‌های زیست‌محیطی در سطح محله از جمله مشکلات عمده محله اختراآباد می‌باشد. بنابراین بازآفرینی سکونتگاه غیررسمی محله اختراآباد و ساماندهی کالبدی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن از اولیتهای اصلی این محله می‌باشد. در کنار وجود چنین مشکلات عمده‌ای، با توجه به اینکه بیشتر ساکنین محله از مهاجرین مناطق روستایی قومیت‌های مشترک می‌باشند، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در بین ساکنین محله حفظ شده است. بنابراین دارای حس تعلق‌ها و همبستگی‌های اجتماعی، فرهنگی و قومی - مذهبی با یکدیگر می‌باشند و شبکه‌ای از روابط و نظام‌های اجتماعی کوچک را در بین خود حفظ کرده‌اند. می‌توان اسم این نظام‌های کوچک اجتماعی، شبکه روابط و همبستگی‌های که بین ساکنین محله وجود دارد را سرمایه اجتماعی نامید و از آن برای بازآفرینی و ساماندهی مشکلات موجود در سطح محله استفاده نمود.

بنابراین هدف تحقیق حاضر ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری است که مطالعه موردی آن سکونتگاه غیررسمی اختراآباد کرج می‌باشد. تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه در این مورد می‌باشد که این پژوهش با رویکردی جزئی‌نگر، مسأله را در سطحی محلی و یک سکونتگاه غیررسمی بررسی می‌کند و به تأثیر هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر تحقق‌پذیری بازآفرینی شهری می‌پردازد. بدین صورت که ابتدا به بررسی وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح محله می‌پردازد و سپس با شناخت به دست آمده به بررسی میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها و رتبه‌بندی آن‌ها در تحقق‌پذیری بازآفرینی در سطح محله می‌پردازد. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

- آیا بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد محله اختراآباد کرج رابطه معناداری وجود دارد؟
- سرمایه اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد محله سهرابیه چه جایگاهی دارد و میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد محله اختراآباد کرج چه مقدار می‌باشد؟

بی‌گمان توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری به نتایج این پژوهش و پژوهش‌های پرشمار دیگر که در مناطق گوناگون جهان انجام شده، زمینه برنامه‌ریزی اثربخش‌تر برای تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهری متناسب با شرایط هر منطقه، فراهم می‌سازد.

مقاله حاضر ادبیات نظری را واری می‌کند و با بهره‌گیری از ادبیات نظری، چارچوب مفهومی را در راستای پاسخگویی به سوال پژوهش ارائه می‌کند.

پیشینه نظری

بازآفرینی شهری

تعریف "بازآفرینی شهری" و مشخص کردن اینکه شامل چه نوع مداخلات و سیاست‌هایی می‌شود ساده نیست (Magalhães, 2015: 185-206). در واقع بازآفرینی شهری از ریشه فعل Regenerate به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن است. که در ابتدا چیزی مستقل از نوسازی شهری نبود (Rockman, 2007: 34). و با دیدی صرفاً کالبدی آغاز شد. از این رو در منشورها و توصیه نامه‌های اولیه بیشتر حفظ اصالت و ارزش های تاریخی کالبد معماری و مواد و مصالح مورد تأکید قرار گرفت و به تدریج از منشور ونیز به منشور بورا توجه اساسی به مکان و زمینه معطوف شد. با تکوین مفهوم حفاظت دید فرهنگی و اجتماعی نیز به این حیطه وارد شد و آن را تکامل بخشید، به گونه‌ای که در اسناد و منشورهای دو دهه اخیر تحول شگرفی در تعریف اصول، دستورالعمل‌ها و معیارهای استفاده از مکان های فرهنگی - تاریخی به عنوان منابعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار با توجه و احترام به اصالت، یکپارچگی و حفظ برجستگی و منزلت فرهنگی این مکان ها رخ داده است. قابل ذکر است که در حال حاضر در اقدامات اخیر در بازآفرینی شهری در اروپا برنامه‌ریزان شهری جدیداً بر روی این مفهوم در شهر انسانی متمرکز شده اند (Vries, 2019:20).

سرمايه اجتماعي

ریشه بحث سرمايه اجتماعي را می‌توان در پژوهش‌های جامعه‌شناسان قرن نوزدهم یعنی دورکیم^۱، وبر^۲، و زیمل^۳ پیدا کرد (Grieks, 2001:6). نخستین بار این واژه را «لیدا جادسون هانی فان»^۴ به کار برد (Renko, 2017: 63-72). بدین ترتیب، دانشمندان و نظریه‌پردازان گوناگونی همچون: پیربورديو^۵، جمیز کلمن^۶، گلن لوری^۷، بن پرات^۸، ویلیامسون^۹، بیکر^{۱۰}، رابرت پاتنام^{۱۱}، فرانسیس فوکویاما^{۱۲}، شرح گوناگونی از سرمايه اجتماعي را ارائه دادند (Hyungjun, 2016: 25)، که بیشتر آن‌ها این واژه و مفهوم را شامل سرمايه‌هایی همانند آگاهی اجتماعي، اعتماد اجتماعي، شبکه و روابط اجتماعي، انسجام اجتماعي، گروه‌های اجتماعي و مشارکت اجتماعي که مردم برای حل مشکلات عمومي خود ترسیم می‌کنند، دانستند (Vasylichenko, 20181: 16). سرمايه اجتماعي طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی از سوی اندیشمندان همچون «یورگن هابرماس»^{۱۳} هم گفته شد. وی و هم‌اندیشان او در مکتب انتقادی فرانکفورت، در زمینه سرمايه اجتماعي، توجه به «نظریه ارتباطی»^{۱۴} و «از پایین به بالا» را که با مشارکت

1. Emil Durkheim

2. Max Weber

3. Emil Simmel

4. Lyda Judson Hanifan, 1916

5. Pierre Bourdieu, 1930

6. James Coleman, 1966

7. Glenn Lori, 1970

8. Bon Boret, 1980

9. Williamson, 1981

10. Baker, 1983

11. Putnam, Robert 1985

12. Francis Fukuame, 1990

13. Jürgen Habermas, 1982

14. Communicative theory

مستقیم مردم رابطه دارد، پیشنهاد کردند (Pumcave, 2016: 35). مفهوم سرمایه اجتماعی در دهه ۱۹۸۰ بسیار زیاد مورد توجه قرار گرفت و در دهه ۱۹۹۰ میلادی، در چارچوب «نظریه ارتباطی - مشارکتی» توانست جایگاه بنیادین به خود اختصاص دهد (Blackburn, 2013: 43).

بدین ترتیب، از ابعاد بنیادین سرمایه اجتماعی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های آشکار و پنهان آگاهی اجتماعی است که زمینه را برای کنشگری ساکنان در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های بازآفرینی فراهم می‌سازد (Portney, 2016: 4). همچنین، آگاهی بخشی ساکنان موجب انسجام اجتماعی، سازگاری جمعی و مشارکت بین آنان می‌شود (Dean & Trillo, 2019: 21) و زمینه را برای اعتماد اجتماعی آن‌ها در راستای ایجاد روابط انسانی مؤثر، برقراری و بهبود ارتباط مردمی و شکل‌پذیری گروه و کارگروهی فراهم می‌آورد (Bullen, 2018: 65-72). بدین ترتیب، هرچه شبکه اجتماعی در جامعه‌ای درهم فشرده‌تر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که ساکنان آن جامعه بتوانند برای منافع متقابل همکاری نمایند (Vries, 2019: 195-204) و موجب شکل‌گیری تشکلهای شوند. تشکلهای نیز گردآمدن افراد محلی و غیرمحلی، حقیقی یا حقوقی است که دارای هدف مشترک هستند و دستیابی به این هدف از طریق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه محلی‌شان امکان‌پذیر می‌شود (Renko, 2017: 63-72). به سخن دیگر، سرمایه اجتماعی به مثابه شبکه، روابط و هنجارهایی است که به ساکنان کمک می‌کند که با هماهنگی و برقراری رابطه با یکدیگر، با چالش‌های آسان‌تر رو به رو شوند (Levitte, 2018: 39-50).

بافت‌های ناکارآمد شهری در ایران

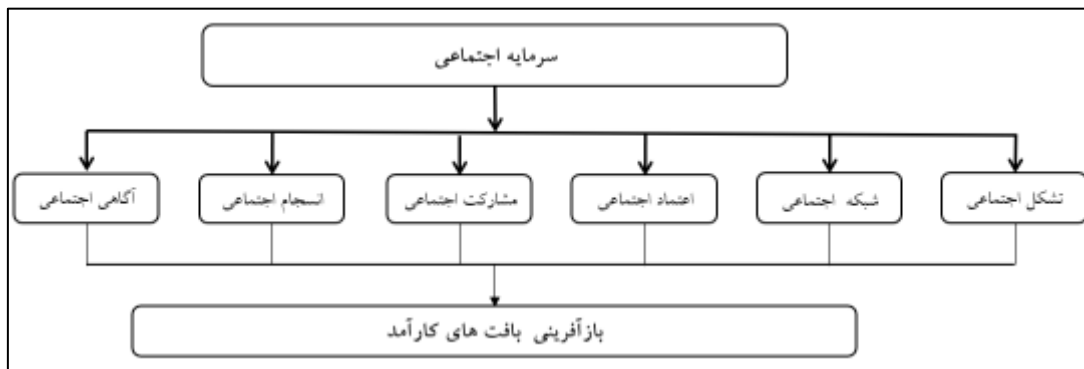
بافت‌های ناکارآمد شهری پهنه‌هایی از شهر هستند که در مقایسه با سایر پهنه‌های شهر از جریان توسعه عقب افتاده‌اند و از چرخه تکاملی حیات جدا گشته و به کانون مشکلات و نارسایی‌ها در آمده‌اند (Sanders et al., 2020)؛ با این وجود این بافت‌ها درصد بالایی از جمعیت شهری را در خود جای داده و در عین حال از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نهفته بسیاری برای توسعه آتی درون شهری برخوردار هستند (Simpson, Farrelly, & Holliday, 2018). بافت‌های ناکارآمد موجود در سطح شهرهای ایران را می‌توان در پنج دسته محدود تاریخی شهر، سکونتگاه غیررسمی، بافت ناکارآمد میانی، پهنه‌های شهری با پیشینه روستایی و پهنه‌های با کاربری‌های ناسازگار شهری مشاهده کرد. نکته قابل توجه در این بافت‌ها، ویژگی خاص و مشهود هر یک از این بافت‌ها و انسجام شدید در بافت قدیم است. با پیشروی به سمت بافت گسترشی، از این انسجام کاسته می‌شود، تا جایی که در بافت گسترشی، با اراضی باز مواجه خواهیم شد (Cvetkovich, 2002: 42).

سرمایه اجتماعی و بازآفرینی

سرمایه اجتماعی یکی از پایه‌های بنیادین برای بهبود مشارکت شهروندان در اجرای طرح‌های بازآفرینی و از مفاهیم برجسته جامعه‌شناختی در رویکرد مشارکتی انگاشته می‌شود؛ و به مثابه کنشگر پایه‌ای به کار می‌رود. به گونه‌ای که بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی باعث می‌شود ساکنان محله‌ها در اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها مداخله کنند (Jarrett, 2017). همچنین، آفرینش خلاقیت و شکوفاسازی ایده‌ها در بین آن‌ها؛ موجب می‌شود اعتمادشان بیشتر شود (Fikret, 2018: 35). به سخن دیگر، بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی زمینه را برای بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد فراهم می‌کند (Sally, 2018: 137-163). در مجموع سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح شده است و شناسایی آن به عنوان یک نوع سرمایه، چه در سطح مدیریت

کلان توسعه کشورها و چه در سطح مدیریت سازمان‌ها و بنگاه‌ها، می‌تواند شناخت جدیدی را از سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی ایجاد و مدیران را در هدایت بهتر سیستم یاری کند.

نوآوری پژوهش حاضر این می‌باشد که علاوه بر تبیین ارتباط بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهری، با رویکردی جزئی‌نگر، مسأله را در سطحی محلی و یک سکونتگاه غیررسمی بررسی می‌کند و میزان تأثیر و سهم هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در تحقق‌پذیری بازآفرینی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی را مشخص و تبیین می‌نماید. در این راستا، براساس ادبیات و پیشینه پژوهش، چهارچوب مفهومی پژوهش به شرح زیر است. شکل شماره ۱ مدل مفهومی تحقیق را نمایش می‌دهد.



شکل ۱- چهارچوب مفهومی پژوهش، منبع: براساس واکاوی ادبیات و پیشینه پژوهش، ۱۴۰۰.

پیشینه عملی

پژوهش‌ها در ارتباط با نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی شهری، نتایج گوناگونی نشان داده است. که در زیر به تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

نیازی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «واکاوی نقش سرمایه اجتماعی در بازآفرینی شهری در حاشیه شهرها و روستاهای الحاقی به شهرها با تأکید بر پارامترهای اعتماد و مشارکت مردمی» به تبیین نقش سرمایه اجتماعی در تحقق اهداف بازآفرینی شهری با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از ابزار گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای پرداختند، یافته‌ها حاکی از این بود که حاشیه شهرها و به‌طور خاص روستاهای الحاقی به شهر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع نهفته سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار شهرها مطرح هستند و با توجه به پیوندهای اجتماعی روستایی، از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار می‌باشند. نیاز به تقویت روابط و پیوندهای اجتماعی در راستای پیشبرد مسیر توسعه شهری، لزوم توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی را پررنگ‌تر نموده و در این بین، مناطق حاشیه‌ای و روستاهای الحاقی به شهرها به‌واسطه وجود حلقه‌های اجتماعی قوی‌تر و سنتی‌تر، در صورت به وجود آمدن یک اعتماد فراگیر و مستحکم می‌توانند با مشارکتی مؤثر و کارا، تحقق اهداف بازآفرینی شهری را تسهیل و تسریع سازند.

احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محله امامزاده یحیی با بکارگیری معادلات ساختاری» به معرفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دخیل در بازآفرینی بافت‌های فرسوده و سنجش آن‌ها در موقعیت بومی ایران و محله امامزاده یحیی با استفاده از روش کمی و با استفاده از راهبردهای استدلال منطقی، تطبیقی و همبستگی پرداخته‌اند. نتایج تحقق آن‌ها حاکی از آن است که شاخص‌های اعتماد و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی به عنوان متغیرهای وابسته مشارکت، در بازآفرینی مؤثر و انسجام اجتماعی بلا تأثیر بوده و سرمایه اجتماعی در محله امامزاده یحیی با شدت تأثیر ۰/۹۳ بر بازآفرینی مؤثر بوده است.

آقایی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی سرمایه اجتماعی در فرایند بازآفرینی شهری در بافت‌های مسأله‌دار شهری - نمونه: شهر رشت» به بررسی مقوله سرمایه اجتماعی در فرایند شهری در سه نوع بافت ناکارآمد میانی، بافت تاریخی و سکونتگاه غیر رسمی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که در فرایند بازآفرینی شهر رشت، سرمایه اجتماعی از نظر شاخص‌های افزایش تعاملات بین شهروندان، و آگاهی مطلوب و از نظر ایجاد حس اعتماد در بین شهروندان نامطلوب بوده است. از دیگر نتایج این تحقیق وجود تفاوت معنادار سرمایه اجتماعی در بافت‌های سه‌گانه و محله‌های محله‌های مورد مطالعه بوده است.

باستانی و حنایی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی تاب‌آوری اجتماعی در راستای اهداف بازآفرینی شهری (نمونه موردی: محلات ایران فیلیپین و مالزی)» به مقایسه تطبیقی روند و رویه‌های تاب‌آوری اجتماعی برای بازآفرینی شهری در سه محله دارای بافت ناکارآمد و ساختار متفاوت و در کشورهای مختلف با استفاده از روش‌شناسی مورد محور، کیفی و ابزار تماتیک پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که با بهره‌گیری تطبیقی به صورت مورد محور بین مؤلفه‌های سه نمونه تم اصلی و تم فرعی استخراج می‌گردد که ساختار پیشنهادی جهت استفاده در محله نوغان را در قالب سه مؤلفه مردم و و ذینفعان، نهاد تسهیل‌گر و حفاظت از بناهای تاریخی با استفاده از ظرفیت‌های انطباقی و بازنده‌سازی کیفیت محیطی شکل می‌دهد.

پویان و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با «عنوان ارزیابی اثربخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: شهر رشت)» به ارزیابی اثربخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقا کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داده که برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر مثبت و معناداری داشته است. همچنین مشخص گردیده که وضعیت برنامه‌های مذکور در محله سلیمانداراب موفق، عینک نسبتاً موفق، پاسکیاب نسبتاً ناموفق و در محله نخودچر ناموفق بوده است و وضعیت کیفیت زندگی در محله سلیمانداراب نسبتاً مطلوب، عینک نسبتاً نامطلوب و در محلات پاسکیاب و نخودچر نامطلوب بوده است.

ژای و ان جی^۱ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بازآفرینی شهری و سرمایه اجتماعی در چین» به بررسی سرمایه اجتماعی مناطق بازآفرینی شده در منطقه مسلمان نشین برج درام در شیان پرداخته‌اند. این تحقیق بر اساس یک داستان واقعی و فوق‌العاده از یک جامعه در منطقه مسلمان نشین در درام‌تاور در شیان و با استفاده از روش مشاهده میدانی و اسناد و گزارشات طرح بازسازی این منطقه انجام شده است. نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی قدرتمند مذهبی و قومی ساکنان مسلمان مسبب تغییر رویه بازآفرینی در منطقه و اجبار توجه دولت محلی به حفظ و نگهداری شیوه زندگی در فرایند بازآفرینی شهری شده است.

جی یو و ژانگ^۲ (۲۰۲۰)، در تحقیقی با عنوان «تعیین چارچوب پایداری اجتماعی و عدالت در بازآفرینی شهری: تحلیل مقایسه‌ای دو مورد در گوانزو» به بررسی چگونگی پایداری اجتماعی و عدالت اجتماعی در دو نوع معمول بازآفرینی: شهرهای قدیمی و دهکده‌های شهری پرداختند. هدف تحقیق آن‌ها این بود که نشان دهد چگونه ابعاد مختلف

¹ Zhan & Ng

². Gu & Zhang

پایداری و عدالت اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در هم تنیده است و قابل جدایی نمی‌باشند. نویسندگان از روش‌های آماری جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و از مقایسه تطبیقی شاخص‌ها در دو نمونه برای رسیدن به هدف تحقیق استفاده نموده‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که پایداری و عدالت در ابعاد مختلف در پروژه‌های بازآفرینی وجود ندارد و بخصوص از نظر فرهنگی و اقتصادی دچار نابرابری است.

لوپز کانترااس^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، در تحقیقی با عنوان «اثرات یک برنامه بازآفرینی شهری در عوامل اجتماعی مرتبط با سلامت در شیلی» به تحلیل اثرات برنامه‌های بازآفرینی بر محیط فیزیکی، اجتماعی و ایمنی درمحلات مداخله شده در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ با توجه به جنسیت و موقعیت اقتصادی - اجتماعی پرداختند. محققان از چهار شاخص و شش زیرشاخص برای اندازه‌گیری محیط‌های فیزیکی، اجتماعی و ایمنی محله‌ها استفاده نموده‌اند. برای تجزیه و تحلیل شاخص‌ها قبل و بعد از مداخله از مدل‌های خطی و ۲۰۹۵ نمونه استفاده کرده‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که شرکت‌کنندگان نظرشان بر این بوده است که بعد از انجام پروژه‌های بازآفرینی درک بهتری از محیط فیزیکی، اجتماعی و ایمنی و همچنین استفاده از فضاها، به ویژه در میا زنان و افراد با سطح تحصیلات بالاتر داشته‌اند. همچنین تحقیق آن‌ها نشان داد که برنامه بازآفرینی نوعی سیاست عمومی است که می‌تواند کیفیت زندگی و سلامتی افراد ساکن در مناطق فقیرنشین را بهبود بخشد.

در این راستا در بسیاری از کشورهای جهان از جمله هلند با ایجاد طرح‌های بازآفرینی زمینه برای بهبود شرایط زندگی در محله‌های محروم اجرا شده است (Dean & Trillo, 2019:21).

داده‌ها و روش‌شناسی

پژوهش حاضر، به ارزیابی نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد در محله اخترباد شهر کرج پرداخته است. تحقیق از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده که از روش پرسشنامه بهره گرفته است. برای ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اخترباد از ۶ مؤلفه اصلی اعتماد اجتماعی، شبکه و روابط اجتماعی، آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، تشکل اجتماعی و مشارکت اجتماعی استفاده شده است، هر یک از این مؤلفه‌ها دارای زیرشاخص‌هایی هستند که موردبررسی قرارگرفته‌اند. در این ارتباط، حجم نمونه محاسبه شده برای محله بر اساس فرمول «کوکران^۲» با سطح اطمینان ۹۵ درصد و پیش برآورد واریانس ۰/۲۵ (۰/۵*۰/۵) و دقت احتمالی مطلوب ۵ درصد، تعداد ۳۷۳ نفر بر اساس جامعه آماری و جمعیت محله اخترباد که ۱۳۵۶۵ نفر (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵) می‌باشد، محاسبه شد و برای روایی بیشتر تعداد ۳۸۱ نمونه (نفر) مورد بررسی قرار گرفت. روش نمونه‌گیری تصادفی بوده است و نمونه‌های تحقیق به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. بر این اساس، تجزیه و تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و تجمیع پرسش‌ها برای ورود به مدل، و تحلیل سازه‌ها و روابط بیان شده در چهارچوب نظری با استفاده از نرم‌افزار SPSS و PLS^۳ برای تحلیل سازه‌ها و روابط بیان شده در چهارچوب نظری، بهره گرفته شد. با توجه به اینکه استفاده از معادلات ساختاری نیازمند آزمون نرمال بودن داده‌ها می‌باشد از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در نرم‌افزار SPSS برای این هدف استفاده شد. همچنین از مدل اندازه‌گیری نرم‌افزار PLS

1. Lopez Contreras

2. Cochran

3. PLS= Partial least squares regressio

جهت ارزیابی روایی و پایایی (آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا) شاخص‌ها و از مدل ساختاری آن جهت ارزیابی رابطه بین متغیرها و شاخص‌های تحقیق استفاده شد.

جدول (۱) متغیرهای مکنون و آشکار سرمایه اجتماعی و بازآفرینی شهری را نشان می‌دهد. جدول (۲) نیز وضعیت روایی و پایایی متغیرها و شاخص‌ها تحقیق را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده و با توجه به اینکه مقدار آلفای کرونباخ همه شاخص‌ها بیشتر از ۰/۷ و مقدار پایایی ترکیبی همه متغیرها بیشتر از ۰/۷ و مقدار روایی همگرا همه متغیرها بالاتر از ۰/۵ می‌باشد، نشان‌دهنده این می‌باشد که متغیرها و پرسشنامه تحقیق از نظر آماری پایا می‌باشند.

جدول ۱- متغیرهای مکنون و آشکار سرمایه اجتماعی و بازآفرینی شهری

منبع	متغیر آشکار	متغیر مکنون
Bhowmick, 2015; Mininni, 2017; Kakodkar et al, 2017.	مطالعه کتاب (غیر درسی) و نشریات (روزنامه، مجله و ...)	آگاهی بخشی اجتماعی
	حضور در مراسم‌های مذهبی (نماز، جلسات مذهبی، قران خوانی)	
	تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای	
	گوش کردن به رادیو	
	گوش دادن به موسیقی	
	شرکت در کلاس‌های آموزشی	
Mahmud et al, 2011; Zapata & Peiro, 2018.	استفاده از گوشی، تبلت و رایانه (بازی‌های رایانه‌ای، کار تحقیقی، تایپ، طراحی)	شبکه و روابط اجتماعی
	خانواده	
	فامیل و خویشاوندان	
	دوستان	
	همکاران	
	همسایگان	
Guo, 2016; meng et al, 2016; Amor et al, 2019.	افراد هم قوم	انسجام اجتماعی
	ساکنین محله	
	احترام به یگدیگر و کمک و همبستگی و افزایش روحیه گذشت بین ساکنان	
	کاهش میزان اختلاف، درگیری و نزاع میان ساکنان	
	زمینه‌سازی جهت رفع اختلاف، درگیری، کاهش چند دستگی‌ها	
	انسجام و اطمینان در ایجاد موفقیت‌ها و روبرویی با چالش‌های پیش رو ساکنان	
	افزایش احترام ساکنان نسبت به مسئولین	
	همکاری و تلاش ساکنان برای حل مشکلات	
Le et al, 2015; Ngoasong & Kimbu, 2016; Koyana et al, 2017; Aghazamani & Hunt, 2017.	همبستگی برای حل موانع موجود، برای دستیابی به اهداف ساکنان	اعتماد اجتماعی
	کمک و همکاری ساکنان در مواقع بحران	
	دوستان و آشنایان	
	همسایگان و هم محله‌ها	
	اقوام و بستگان	
	کارمندان و مدیران ادارات	
	مغازه داران و فروشندگان و کاسبان	
	بزرگان و ریش سفیدان	
هیات‌های مذهبی		
هیأت امنای مساجد		

enao-Zapata & Peiro, 2018.	انجمن و کانون‌های ادبی - فرهنگی	تشکل اجتماعی
	سازمان‌های غیردولتی (NGO)	
	سازمان‌های مردم نهاد (CBO)	
	انجمن‌های ورزشی - تفریحی	
	هیئت مذهبی	
	خیریه‌ها	
	انجمن اولیاء و مربیان	
	پایگاه بسیج	
Bresciani Leonidou et al, 2018; West et al, 2014; et al, 2013.	سندوق‌های قرض‌الحسنه دوستی یا خانوادگی	مشارکت اجتماعی
	کمک مالی به دوستان و آشنایان	
	کمک مالی به همسایگان	
	رفتن به عیادت بیماران و سالمندان	
	مشارکت در آموزش دادن به کودکان و افراد ناتوان	
	کمک به ساخت و تجهیز مسکن آشنایان و بستگان	
Hall, 2016; Aberbach & Rockman, 2007.	مشارکت با همسایگان در بهبود وضعیت محله	باز آفرینی بافت های ناکارآمد
	اجتماعی	
	اقتصادی	
	کالبدی - زیربنایی	
	محیطی - اکولوژیکی	

جدول ۲: روایی و پایایی متغیرهای تحقیق

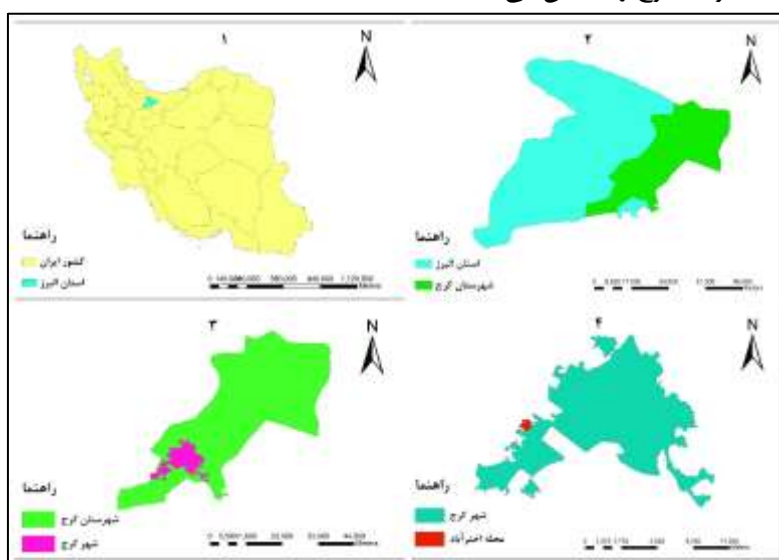
Average Variance Extracted (AVE)	composite reliability	Rho_A	Coronbachs Alfha	نام متغیر
۰,۵۰۳	۰,۷۳۶	۰,۷۱۳	۰,۷۵۴	آگاهی بخشی اجتماعی
۰,۵۲۰	۰,۸۱۴	۰,۷۳۶	۰,۸۰۴	شبکه و روابط اجتماعی
۰,۵۳۶	۰,۸۵۸	۰,۷۸۸	۰,۷۱۸	انسجام اجتماعی
۰,۵۲۳	۰,۸۴۷	۰,۸۳۱	۰,۷۹۵	اعتماد اجتماعی
۰,۵۹۳	۰,۸۹۶	۰,۶۷۳	۰,۷۹۶	تشکل اجتماعی
۰,۴۱۵	۰,۷۰۶	۰,۸۴۰	۰,۷۰۴	مشارکت اجتماعی

قلمرو پژوهش

محله اختراآباد از نظر موقعیت ریاضی در طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۳ دقیقه و ۲۸ ثانیه خاوری و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۹ دقیقه و ۲۱ ثانیه شمالی واقع شده است. از نظر موقعیت نسبی محله اختراآباد با ۵۹,۱۴ هکتار مساحت در ضلع غربی شهر کرج و همین‌طور ضلع غربی منطقه ۴ شهرداری کرج قرار گرفته است. ضلع شمالی محله اختراآباد را خیابان منبع آب و ضلع جنوبی آن را خیابان شعبان آبادی تشکیل می‌دهند. ضلع شرقی محله اختراآباد با بافت محله حسین‌آباد و مهردشت و زمین‌های خالی مابین این محلات و ضلع غربی آن با زمین‌های کشاورزی محدود می‌شود. محله اختراآباد در مجموع دارای ۲۶۹۶ پلاک یا بنا می‌باشد که ۱۳۵۶۵ نفر جمعیت را در خود جای داده‌اند (مطالعات شناسایی پهنه‌های فرودست سال ۱۳۹۷).

علل شکل‌گیری سگونتگاه غیررسمی اختراآباد را می‌توان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی بررسی نمود. در سطح ملی عواملی از جمله اصلاحات ارضی، جنگ تحمیلی و مهاجرین حاصل از آن که از اهواز و خوزستان به این منطقه

مهاجرت کردند، مشکلات اقتصادی و بیکاری در استان‌هایی از جمله ایلام، کرمانشاه، لرستان، اردبیل و غیره که باعث مهاجرت جمعیت به این منطقه شده است، نظام سیاسی متمرکز و تمرکز قدرت، ثروت و فعالیت‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی در پایتخت و کلان‌شهرها در شکل‌گیری این سکونتگاه غیررسمی نقش داشته‌اند. در سطح منطقه‌ای در مرحله اول کلانشهر تهران به عنوان پایتخت و تمرکز شدید خدمات و امکانات در آن و در مرحله دوم شهر کرج باعث جذب مهاجر از سراسر ایران به این سکونتگاه شده است. در سطح محلی نیز عواملی از جمله؛ پایین بودن قیمت زمین ضمن فراهم شدن زیرساخت‌های اولیه در آن، خارج از محدوده شهری بودن محله و عدم نظارت دقیق شهرداری بر آن، نزدیکی به راه‌های ارتباطی اصلی و فاصله نسبتاً کم تا شهر کرج، عدم وجود موانع جدی رشد و گسترش کالبدی در اطراف، وجود کاربری‌هایی که باعث جذب جمعیت می‌شوند، در شکل‌گیری این سکونتگاه غیررسمی نقش داشته‌اند. شکل (۲) موقعیت محله اخترباد کرج را نمایش می‌دهد.



شکل ۲- موقعیت محله اخترباد شهر کرج

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

به‌منظور سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محله اخترباد، بر اساس رابطه کوکران با ۳۸۱ نفر از شهروندان ساکن این ناحیه اقدام به پرسشگری شد. از آنجایی که برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نسبی هستند و ویژگی‌های فردی و شرایط زندگی هر شخص تأثیر بسیاری در نحوه نگرش به آن‌ها دارد؛ بخشی از پرسشنامه به اطلاعات توصیفی اختصاص داده شد. آمار توصیفی پژوهش شامل؛ جنس، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، نوع فعالیت، مدت سکونت در محله، دلیل سکونت، نحوه تصرف ملکی که در حال حاضر در آن ساکن هستند و قومیت می‌باشد. وضعیت اطلاعات توصیفی پاسخ‌دهندگان در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳- مشخصات نمونه آماری

شرح	درصد	درصد تجمعی	شرح	درصد	درصد تجمعی
جنس			شغل		
مرد	۵۷/۷۹	۵۷/۷۹	کارمند	۱۳/۹۱	۱۳/۹۱
زن	۴۲/۲۱	۱۰۰	آزاد	۳۹/۳۷	۵۳/۲۸

		تأهل			
۷۵/۳۲	۲۲/۰۴	بازنشسته			
۸۸/۱۸	۱۲/۸۶	خانه‌دار	۷۴/۸۰	۷۴/۸۳	متأهل
۹۳/۱۶	۴/۹۸	کارگر	۱۰۰	۲۵/۱۷	مجرد
۹۶/۶	۳/۱۱۷	بیکار	تحصیلات		
۱۰۰	۳/۶۷	سایر (دانشجو، سرباز، نیروی فصلی)	۱۶/۰۱	۱۶/۰۱	بی‌سواد
مدت سکونت در محله			۹۰/۲۸	۷۴/۲۷	خواندن و نوشتن
۹/۹۷	۹/۹۷	کمتر از یک سال	۹۶/۵۷	۶/۳۹	ابتدایی
۳۱/۴۹	۲۱/۵۲	۱ - ۵	۱۰۰	۳/۴۳	تحصیلات دانشگاهی
۴۹/۰۶	۱۷/۸۵	۵ - ۱۰	دلیل سکونت در محله		
۶۹/۲۶	۲۰/۲۰	۱۰ - ۱۵	۶/۳	۶/۰۳	تولد در محله
۱۰۰	۳۰/۷۴	بیش از ۱۵ سال	۱۳/۶۴	۷/۶۱	نزدیکی به اقوام
قومیت			۲۸/۳۳	۱۴/۶۹	دوست داشتن محله
۱۰/۲۳	۱۰/۲۳	فارس	۶۱/۹۲	۳۳/۵۹	قیمت مناسب مسکن
۸۰/۸۳	۷۰/۶۰	آذری	۱۰۰	۳۸/۰۸	نزدیکی به محل کار
۹۲/۶۴	۱۱/۸۱	کرد	نحوه تصرف ملکی		
۹۴/۴۷	۱/۸۳	لک	۶۷/۴۵	۶۷/۴۵	مالک
۹۹/۱۹	۴/۴۹	لر	۹۸/۶	۳۱/۲۳	مستأجر
۱۰۰	۱/۰۴	سایر (عرب، بلوچ، گیلک، مازنی)	۱۰۰	۱/۳۲	سایر

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

یافته‌های استنباطی

یکی از پیش‌فرض‌های مهم در استفاده از مدل معادلات ساختاری مربوط به توزیع و پراکندگی داده‌های متغیرها می‌باشد که داده‌های متغیرهای تحقیق باید نرمال یا نزدیک به نرمال باشند. برای حل این مسأله از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده می‌شود. نتایج حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نشان می‌دهد توزیع داده‌های تحقیق نرمال بوده و دارای یک تناسب آماری نرمال می‌باشند. با توجه به این آزمون، چون سطح معناداری برای همه متغیرهای مستقل شامل آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شبکه و روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکل اجتماعی و بازآفرینی به عنوان متغیر وابسته بزرگتر از سطح آزمون (۰,۰۵) با اطمینان ۰,۹۹ درصد فرضیه H_0 تأیید می‌شود و توزیع داده‌ها نرمال است. نتیجه آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در جدول شماره ۴ ذکر شده است.

جدول ۴ - آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت سنجش نرمال بودن شاخص‌های موثر بر بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد محله اختر آباد کرج

مولفه	آماره آزمون کولموگروف - اسمیرنوف	سطح معناداری	عامل	آماره آزمون کولموگروف - اسمیرنوف	سطح معناداری
آگاهی اجتماعی	۰/۲۹	۰/۷۰۸	روابط و شبکه اجتماعی	۰/۳۸	۰/۳۷۳
انسجام اجتماعی	۰/۲۷	۰/۹۲۴	مشارکت اجتماعی	۰/۲۷	۰/۹۲۳
تشکل اجتماعی	۰/۳۵	۰/۳۷۳	بازآفرینی	۰/۳۳	۰/۲۵۶
اعتماد اجتماعی	۰/۳۱	۰/۲۶۷			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

ارزیابی مدل اندازه‌گیری^۱ جهت بررسی روایی و پایایی شاخص‌های سرمایه اجتماعی و بازآفرینی بافت ناکارآمد محله اختراآباد شهر کرج

هدف از ارزیابی مدل اندازه‌گیری دستیابی به شاخص‌های برازش مدل و روایی و پایایی مدل می‌باشد. هنگامی که قصد داریم از مدل معادلات ساختاری در تحقیق خود استفاده کنیم، مدل مورد استفاده باید دارای مقدار مناسبی از روایی و پایایی باشد. در این بخش وضعیت مدل اندازه‌گیری و روایی و پایایی مدل تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای بررسی برازش مدل اندازه‌گیری، از دو معیار پایایی شاخص و روایی همگرا استفاده می‌شود. پایایی شاخص نیز خود توسط سه معیار (آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و ضرایب عاملی) مورد سنجش قرار می‌گردد. آلفای کرونباخ میزان بارگیری همزمان متغیرهای مکنون را در زمان افزایش یک متغیر آشکار اندازه‌گیری می‌کند و پایایی ترکیبی نسبت مجموع بارهای عاملی متغیر مکنون به مجموع بارهای عاملی به‌علاوه واریانس خطا است. نتایج حاصل از مدل اندازه‌گیری تحقیق و مقداری آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نشان‌دهنده این می‌باشند که متغیرهای تحقیق و پرسشنامه آن به لحاظ آماری پایا است. مقداری آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق یا مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی که شامل آگاهی اجتماعی، شبکه و روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تشکل اجتماعی و مشارکت اجتماعی می‌شوند به ترتیب ۰/۷۵۴، ۰/۸۰۴، ۰/۷۹۶، ۰/۷۱۸، ۰/۷۹۵ و ۰/۷۰۴ می‌باشد و مقدار پایایی ترکیبی (CR) آن‌ها نیز به ترتیب به مقدار ۰/۸۲۱، ۰/۸۵۷، ۰/۸۱۳، ۰/۷۶۹، ۰/۷۸۴ و ۰/۶۷۴ می‌باشد. مقدار همه متغیرها بالاتر از حد مجاز ۰/۷ هستند، و همچنین مقدار پایایی ترکیبی (CR) همه متغیرها و سازه‌ها بالاتر از حد مجاز ۰/۷ می‌باشد. بنابراین متغیرها و پرسشنامه تحقیق از پایایی مناسبی برخوردار می‌باشد.

همچنین، روایی همگرایی دومین معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش حداقل مربعات جزئی به‌کار برده می‌شود. معیار میانگین واریانس استخراج شده نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین یک سازه با شاخص‌های خود است. به بیان ساده‌تر میانگین استخراج شده میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش بیشتر است. فورنل و لارکر^۲ (۱۹۸۱) معیار میانگین واریانس استخراج شده را برای سنجش روایی همگرا عدد ۰/۵ بیان داشتند؛ بدین معنی که مقدار میانگین واریانس استخراج شده بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول شماره (۵) شاخص میانگین واریانس استخراجی (AVE) متغیر آگاهی اجتماعی برابر با ۰/۵۲۱، شبکه و روابط اجتماعی ۰/۵۳۳، انسجام اجتماعی ۰/۵۲۹، اعتماد اجتماعی ۰/۵۱۹، تشکل اجتماعی ۰/۵۴۰ و مشارکت اجتماعی مساوی با ۰/۵۰۳ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار شاخص میانگین واریانس استخراجی (AVE) همه متغیرهای تحقیق یا سازه‌های مورد مطالعه دارای میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۵ هستند در نتیجه مدل مورد استفاده در این پژوهش از روایی همگرایی مناسبی برخوردار است. در جدول شماره ۵ نتایج مدل اندازه‌گیری تحقیق ذکر شده است.

جدول ۵- ارزیابی مدل اندازه‌گیری جهت بررسی روایی و پایایی شاخص‌های سرمایه اجتماعی و بازآفرینی بافت ناکارآمد محله اختراآباد شهر

کرج

متغیر مکنون	علائم در PLS	بار عاملی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)	متغیر مکنون	علائم در PLS	بار عاملی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)
				(AVE)					(AVE)

1. Measurement model

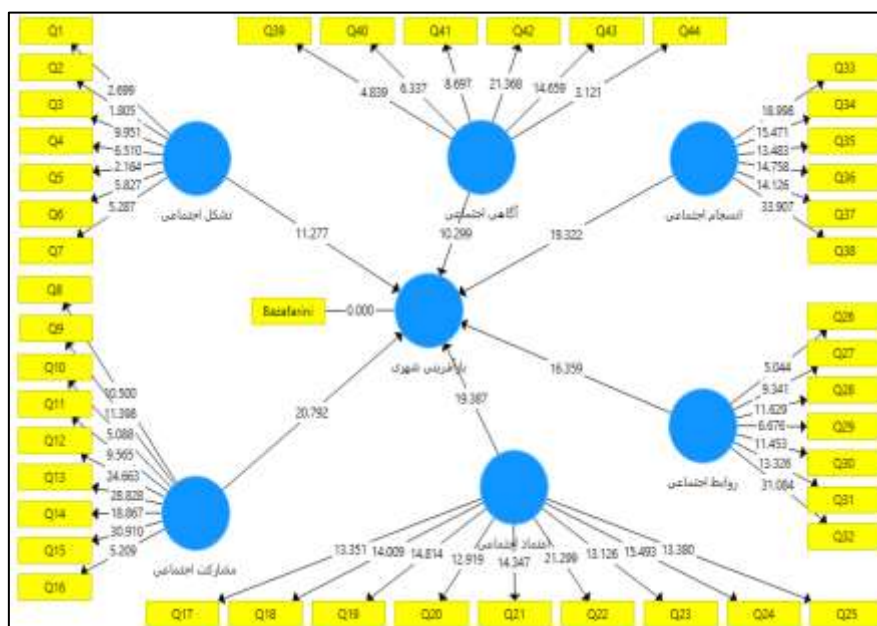
2. Fornell & Larcker, 1981

۰/۵۴۰	۰/۷۸۴	۰/۷۹۵	۰/۵۶۴	Q1	تشکل اجتماعی	۰/۵۲۱	۰/۸۲۱	۰/۷۵۴	۰/۴۳۱	Q39	آگاهی اجتماعی
			۰/۳۰۰	Q2					۰/۵۵۶	Q40	
			۰/۶۹۸	Q3					۰/۷۱۴	Q41	
			۰/۵۶۵	Q4					۰/۸۶۲	Q42	
			۰/۲۹۷	Q5					۰/۸۳۷	Q43	
			۰/۵۲۱	Q6					۰/۳۲۵	Q44	
			۰/۵۸۷	Q7					۰/۵۲۵	Q26	
۰/۵۲۹	۰/۸۱۳	۰/۷۹۶	۰/۷۳۰	Q33	انسجام اجتماعی	۰/۵۳۳	۰/۸۵۷	۰/۸۰۴	۰/۶۱۴	Q27	شبکه و روابط اجتماعی
			۰/۶۶۵	Q32					۰/۵۵۸	Q28	
			۰/۶۵۲	Q34					۰/۳۹۳	Q29	
			۰/۶۸۵	Q35					۰/۶۵۱	Q30	
			۰/۶۱۳	Q36					۰/۶۵۱	Q31	
			۰/۷۸۱	Q37					۰/۷۸۱	Q32	
			۰/۵۰۳	۰/۶۷۴					۰/۷۰۴	۰/۶۲۰	
۰/۶۳۸	Q9	۰/۶۴۳	Q18								
۰/۳۴۶	Q10	۰/۶۵۸	Q19								
۰/۵۴۳	Q11	۰/۶۰۵	Q20								
۰/۷۸۹	Q12	۰/۶۲۸	Q21								
۰/۷۸۱	Q13	۰/۶۹۳	Q22								
۰/۷۶۳	Q14	۰/۶۵۴	Q23								
۰/۸۰۸	Q15	۰/۶۶۱	Q24								
۰/۳۱۳	Q16	۰/۶۳۶	Q25								

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با بازآفرینی بافت ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج با استفاده از مدل ساختاری در سطح معناداری

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل معادلات ساختاری به کار گرفته شد. این روش تکنیکی برای تحلیل داده‌هاست که به منظور ارزیابی رابطه بین دو نوع از متغیرها (آشکار و مکنون) طراحی شده است. بنابراین، پس از جمع‌آوری اطلاعات، برای مشخص کردن اینکه شاخص‌های اندازه‌گیری (متغیرهای آشکار) تا چه اندازه برای سنجش متغیرهای پنهان قابل قبول هستند، ابتدا همه متغیرهای آشکار که مربوط به متغیرهای پنهان‌اند، به طور مجزا آزمون شدند. همچنین جهت تعیین ارتباط بین متغیرهای تحقیق و همچنین آگاهی از معنادار بودن رابطه بین متغیرها از مدل معادلات ساختاری در سطح معناداری استفاده شده است. در واقع این مدل تمامی معادلات ساختاری را با استفاده از آماره T آزمون می‌کند. مقدار آماره T در واقع ملاک اصلی تایید یا رد فرضیات است. اگر این مقدار آماره T به ترتیب از $۱/۶۴$ ، $۱/۹۶$ و $۲/۵۸$ بیشتر باشد نتیجه می‌گیریم که آن فرضیه در سطوح ۹۰ ، ۹۵ و ۹۹ درصد تایید می‌شود. مقدار ضریب مسیر مؤلفه‌ها و متغیرهای تحقیق در مدل معناداری بدین گونه بوده است که آگاهی اجتماعی برابر با $۱۰/۲۹۹$ ، شبکه و روابط اجتماعی $۱۶/۳۵۹$ ، انسجام اجتماعی $۱۹/۳۲۲$ ، اعتماد اجتماعی $۱۹/۳۸۷$ ، تشکل اجتماعی $۱۱/۲۷۷$ و مشارکت اجتماعی برابر با $۲۰/۷۹۲$ بوده است. بر طبق این مدل و نتایج حاصل از آن و با توجه به اینکه مقدار آماره T بین تمامی متغیرهای اثرگذار و اثرپذیر بالاتر از $۲/۵۸$ می‌باشد، می‌توان در سطح اطمینان ۹۹ درصد بیان کرد که رابطه بین متغیرهای تحقیق معنادار است. شکل شماره ۳، مدل ساختاری در حالت معناداری ضرایب (t -value) را نشان می‌دهد.

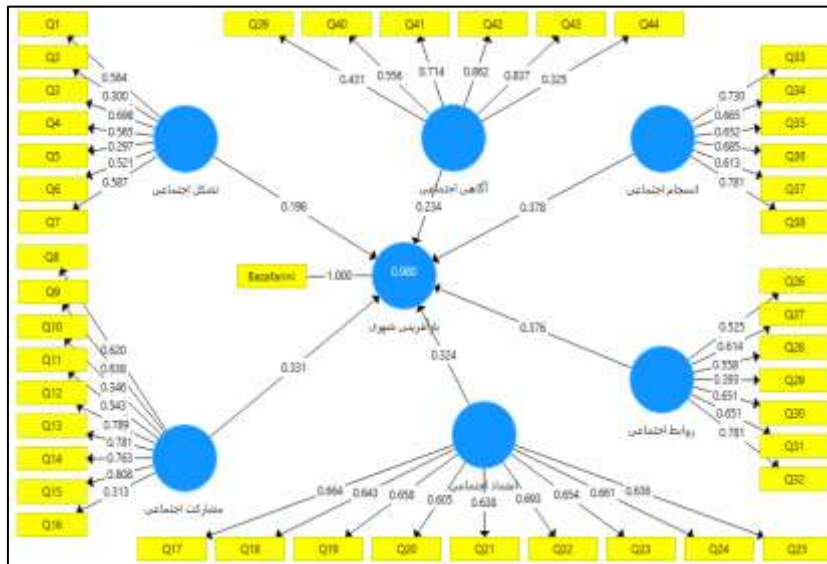


شکل ۳- ارتباط بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با بازآفرینی بافت ناکارآمد محله اختراآباد شهر کرج در مدل ساختاری در حالت قدر مطلق
معنی‌داری ضرایب (روابط بین متغیرها t-value)

ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت ناکارآمد محله اختراآباد شهر کرج با استفاده از مدل ساختاری در سطح بارعاملی (بررسی اثر متغیرها)

با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش حاضر مشخص نمودن نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهری می‌باشد، در این بخش با استفاده از مدل معادلات ساختاری در سطح بارعاملی ضریب تأثیر ۶ مورد از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیرهای مستقل بر روی بازآفرینی شهری به عنوان متغیر وابسته سنجیده‌ایم تا به نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اختراآباد شهر کرج پی ببریم. با توجه به مقادیر شاخص‌های برازش نشان‌دهنده تایید الگوهای اندازه‌گیری در مدل مفهومی پژوهش هستند، که این امر حاکی از این است که شاخص‌های اندازه‌گیری متغیرهای آشکار شده می‌توانند متغیرهای پنهان را به‌طور قابل قبول سنجش کنند. بنابراین در این بخش با استفاده از مدل ساختاری در سطح بارعاملی جایگاه هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بازآفرینی شهری مشخص و مقدار ضریب تأثیر آن‌ها بر بازآفرینی محله اختراآباد شهر کرج سنجیده شد. در این ارتباط، ضرایب بین متغیرهای پنهان با یکدیگر ضرایب رگرسیونی است که مقداری بین ۱ تا -۱ می‌باشد. همچنین، اعداد بین متغیرهای پنهان و آشکار نشان‌دهنده بارهای عاملی می‌باشند. با توجه به مدل مفهومی و فرضیه‌های پژوهش، متغیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، به‌مثابه متغیر اثرگذار و برون‌زاد و متغیر بازآفرینی، به‌عنوان متغیر اثرپذیر و درون‌زاد است. بر این مبنای تحلیل داده‌ها از طریق مدل معادلات ساختاری نشان داد، که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر روی بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد محله اختراآباد شهر کرج اثرگذار و دارای رابطه معناداری می‌باشند. مقدار ضرایب رگرسیونی یا بارهای عاملی تعیین‌کننده جایگاه و میزان تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد محله اختراآباد شهر کرج می‌باشد. در تحقیق حاضر بارعاملی یا ضریب تأثیر مؤلفه‌های شش‌گانه سرمایه اجتماعی به کار گرفته شده بر بازآفرینی این گونه بوده است که ضریب تأثیر انسجام اجتماعی برابر با ۰/۳۷۸، شبکه و روابط اجتماعی ۰/۳۷۶، مشارکت اجتماعی ۰/۳۳۱، اعتماد اجتماعی ۰/۳۲۴، آگاهی اجتماعی ۰/۲۳۴ و ضریب تأثیر تشکل اجتماعی برابر با ۰/۱۹۸ بوده است. بنابراین تأثیرگذارترین مؤلفه سرمایه اجتماعی

بر تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج ابتدا انسجام اجتماعی بوده است و مؤلفه‌های شبکه و روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی و تشکل اجتماعی در رتبه‌های دوم تا ششم تأثیرگذاری بر تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج قرار گرفته‌اند. شکل شماره ۴ نتایج مدل ساختاری در سطح بار عاملی و جدول (۵) خلاصه نتایج مدل تحقیق را نشان می‌دهند.



شکل ۴- ضریب تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج در مدل ساختاری در حالت ضرایب استاندارد (در سطح بار عاملی)

جدول ۵- خلاصه نتایج

نتیجه	p-value	میانگین نمونه	انحراف معیار نمونه (STDEV)	آماره T	ضریب مسیر	ابعاد
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۲۲۹	۰/۰۲۳	۱۰/۲۹۹	۰/۲۳۴	آگاهی اجتماعی
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۳۲۲	۰/۰۱۷	۱۹/۳۸۷	۰/۳۲۴	اعتماد اجتماعی
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۳۷۲	۰/۰۲۰	۱۹/۳۳۲	۰/۳۷۸	انسجام اجتماعی
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۱۹۵	۰/۰۱۸	۱۱/۲۷۷	۰/۱۹۸	تشکل اجتماعی
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۳۷۰	۰/۲۳	۱۶/۳۵۹	۰/۳۷۶	شبکه و روابط اجتماعی
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۳۲۶	۰/۱۶	۲۰/۷۹۲	۱/۳۳	مشارکت اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

نتیجه‌گیری

یکی از انواع بافت‌های ناکارآمد در کشور ایران سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشند که با توجه به نحوه تملک محل سکونت خود شناخته می‌شوند و با چالش‌های بسیاری در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی روبرو هستند. همیشه بازآفرینی و ساماندهی بافت‌های ناکارآمد شهری یکی از اهداف متخصصان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری بوده است. بنابراین پژوهش حاضر به ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد سکونتگاه غیررسمی اخترآباد کرج پرداخته است.

بر اساس نتایج مدل ساختاری در سطح معناداری همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مقدار آماره T آن‌ها بیشتر از مقدار ۲/۵۸ می‌باشد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به کار رفته در تحقیق با تحقق‌پذیری بازآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی اثبات می‌گردد. در واقع نتایج این بخش از تحقیق برای مدیران و برنامه‌ریزان بطور دقیق مشخص می‌نماید که کدام شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌توانند باعث تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهری و بطور خاص سکونتگاه‌ها غیررسمی محله اخترآباد شهر کرج گردد.

جهت دستیابی به هدف ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج از مدل ساختاری در سطح بارعاملی استفاده شد. بر اساس ضریب مسیر به دست آمده برای هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مورد استفاده در تحقیق حاضر، رتبه‌بندی آن‌ها از نظر مقدار تأثیرگذاری بر تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج مشخص گردید. بدین صورت که انسجام اجتماعی با ضریب مسیر ۰,۳۷۸ به عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه و مؤلفه‌های شبکه و روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی و تشکل اجتماعی به ترتیب با ضریب مسیرهای ۰/۳۷۶، ۰/۳۳۱، ۰/۳۲۴، ۰/۲۳۴ و ۰/۱۹۸ در رتبه‌های دوم تا ششم تأثیرگذاری بر تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد محله اخترآباد شهر کرج قرار گرفته‌اند. بطور کلی نیز سرمایه اجتماعی در محله اخترآباد کرج با شدت ۰,۹۸ بر تحقق‌پذیری بازآفرینی در این سکونتگاه غیررسمی می‌تواند مؤثر باشد.

نتایج تحقیق حاضر در راستای نظریه توسعه پایدار و رویکرد بازآفرینی شهری و با توجه به اهمیت بعد اجتماعی و جایگاه ویژه آن در موضوع توسعه؛ نشان‌دهنده این می‌باشد که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی تا حد زیادی بر تحقق‌پذیری بازآفرینی در این سکونتگاه‌ها و احیای آن‌ها تأثیر مثبت دارند. همین‌طور شاخص‌های سرمایه اجتماعی دارای سطوح تأثیرگذاری متفاوتی در تحقق‌پذیری بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمدی شهری می‌باشند که ضرورت دارد در برنامه‌ریزی‌ها جهت بازآفرینی شهری و بطور خاص بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی به وسیله سرمایه اجتماعی مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گیرد.

پیشنهادها

- در انتها جهت تحقق‌پذیری بازآفرینی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:
- افزایش آگاهی ساکنین محله نسبت به محتوا و اهداف طرح‌های بازآفرینی شهری با برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینار و پخش بروشور در سطح محله.
 - استفاده از شبکه روابط و همبستگی‌های موجود در بین گروه‌های مردمی، قومی و مذهبی جهت اعتمادسازی و مشارکت ساکنین در اجرای طرح‌های بازآفرینی شهری.
 - برنامه‌ها و چشم‌اندازهای طرح‌های بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی برای ساکنین باز و شفاف‌سازی گردد تا مردم با آگاهی کامل به آن‌ها اعتماد و در نتیجه حمایت کنند.
 - در سطوح محله‌ای نیز در اهداف و برنامه‌های بازآفرینی منافع همه گروه‌های اجتماعی، قومی و مذهبی لحاظ گردد که باعث سلب اعتماد و عدم مشارکت این گروه‌ها نگردد.
 - از بزرگان، ریش‌سفیدان، هیئت‌های مذهبی، هیئت امنای مساجد و همه دارایی‌های انسانی محله در جهت حمایت اجتماعی و استفاده از آن در طرح‌های بازآفرینی کمک گرفته شود.
 - جهت دستیابی به اهداف بازآفرینی شهری سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها و تشکل‌های اجتماعی در سطوح مختلف قومی، مذهبی و همسایگی ایجاد گردد.

- زمینه‌های مشارکت تمامی گروه‌های مردمی از مرحله تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی تا تهیه و اجرای طرح بازآفرینی فراهم گردد.
- اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی و حمایت‌های اقتصادی جهت تقویت بنیاد اقتصادی خانواده‌ها و اقشار آسیب‌پذیر با هدف حفظ انسجام اجتماعی در سطح محله.
- تأسیس دفتر توسعه محلی در سطح محله اخت‌آباد و استفاده از ظرفیت‌های آن در تمامی ابعاد.
- فراهم کردن پوشش بیمه‌ای برای ساکنین محله به خصوص برای اقشار آسیب‌پذیر.
- راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه محلی به عنوان ظرفیت اقتصادی قابل استفاده جهت ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح محله و بین ساکنین.
- با توجه وجود ساختارهای فرهنگی روستایی و زندگی بومی ساکنان اصیل محله، باید به عنوان سرمایه‌های اجتماعی حفظ و تقویت شوند و در جریان بازآفرینی شهری مورد استفاده قرار گیرند.
- توجه به خرده فرهنگ‌ها و آداب و رسوم قومی و گروه‌های مردمی ساکن در محله با هدف دستیابی به اهداف بازآفرینی محلی.
- استفاده از فضاهای باز و زمین‌های بایر موجود در سطح محله و اختصاص آن به کاربری‌های ضامن تعاملات اجتماعی و افزایش سرانه این نوع کاربری‌ها.
- ارتقاء سطح امنیت محله از طریق ایجاد مسئولیت اجتماعی، مشارکت و کنترل مردمی.
- اجرای طرح‌هایی از جمله زیباسازی شبکه معابر و ایجاد مبلمان شهری در سطح محله جهت جلب توجه و اعتمادسازی بین ساکنین محله.
- تجهیز محله به خدمات اولیه رفاهی و ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت اجرای طرح و رسیدن به اهداف بازآفرینی محلی.

References:

- احمدی، مارال؛ عندلیب، علیرضا؛ ماجدی، حمید؛ زرآبادی، سعیده (۱۳۹۸). *تحلیلی بر جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محله امامزاده یحیی با بکارگیری معادلات ساختاری*. فصلنامه دانش شهرسازی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۶۳ - ۴۹.
- آقایی‌زاده، اسماعیل؛ حسام، مهدی؛ محمدزاده، ربابه (۱۳۹۸). *بررسی سرمایه اجتماعی در فرآیند بازآفرینی شهری در بافتهای مسئله دار شهری-نمونه: شهر رشت*. نشریه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۱۶۷ - ۱۴۵.
- باستانی، مزده؛ حنایی، تکتم (۱۳۹۹). *مطالعه تطبیقی تاب‌آوری اجتماعی در راستای اهداف بازآفرینی شهری (نمونه موردی: محلات ایران، فیلیپین و مالزی)*. مجله شهر امین، شماره ۹، صص ۱۷ - ۱.
- پورا احمد، احمد؛ شهسواری، سینا؛ حیدری، اصغر (۱۴۰۰). *تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش سرمایه اجتماعی و رابطه آن با نوسازی بافتهای فرسوده (مطالعه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری تهران)*. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه-های انسانی، دوره ۱۱۶، شماره ۱، صص ۱۰۸ - ۹۵.

شهرداری کرج (۱۳۹۷). *مطالعات شناسایی پهنه‌های فرودست شهر کرج*.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.

نیازی، هادی؛ صداقتی، عاطفه؛ صفایی، محمدجواد (۱۳۹۷). *واکاوی نقش سرمایه اجتماعی در بازآفرینی شهری در حاشیه شهرها و روستاهای الحاقی به شهرها با تأکید بر پارامترهای اعتماد و مشارکت مردمی*. نشریه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۷۰ - ۱۵۴.

Aberbach, C. A (2007). *Empowerment in tourism: A review of peer-reviewed literature*. Tourism Review International, 21(4), pp. 333-346.

Blackburn, H (2013). *Open innovation: The next decade*. Research Policy, 43(5), pp. 805-811.

Bullen, A. D (2018). *Tourism Education: What about entrepreneurial skills?* Journal of Hospitality and Tourism Management, 30, pp. 65-72.

Centre, J. P (2019). *Formal institutions and opportunity entrepreneurship. The contingent role of informal institutions*. BRQ Business Research Quarterly, 22(1), pp. 5-24.

Chaline, S (2004). *Empowerment of women in South Asia, concepts and practices*. New.

Coccosis, S (2004). *Empowerment and entrepreneurship: A theoretical framework*. International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research, 19(5), pp. 503-524.

Coleman, g (1988). *Entrepreneurship as new approach to support national agriculture development program to go self sufficient food*. Agriculture and Agricultural Science Procedia, 9, pp. 72-82.

Creswell, . M, C (2019). *Ghanaian and Kenyan entrepreneurs: A comparative analysis of their motivations, success characteristics and problems*. Journal of developmental entrepreneurship, 12(03), pp. 295-322.

Cvetkovich,, A. (2002). *Ambidexterity, external knowledge and performance in knowledge-intensive firms*. The Journal of Technology Transfer, 42(2), pp. 374-388.

Dean, A., Trillo, C. R (2019). *Power through: A new concept in the empowerment discourse*. Global food security, 21, 13.

Falk, M. Z (2019). *Formal institutions, informal institutions and entrepreneurial activity: A comparative relationship between rural and urban areas in Colombia*. Journal of Urban Management, 8(3), pp. 458-471.

Fikret, A (2018). *The new field of sustainable entrepreneurship: Studying entrepreneurial action linking "what is to be sustained" with "what is to be developed"*. Entrepreneurship Theory and Practice, 35(1), 137.

Grieks, K (2001). *Planning development with women: Making a world of difference*. London.

Gu, Z., Zhang, X (2021). *Framing social sustainability and justice claims in urban regeneration: A comparative analysis of two cases in Guangzhou*. Land Use Policy, Elsevier, vol. 102(C).

- Hall, J. A (2016). *Transformational leadership and work engagement: Exploring the mediating role of structural empowerment*. European Management Journal, 20(4), pp. 320-340.
- Hyungjun, S (2016). *The entrepreneur–environment nexus: Uncertainty, innovation, and allocation*. Journal of business Venturing, 25(5), pp. 449-463.
- Jarrett, S (2017). *Measuring Chinese entrepreneurial motivation: Personality and environmental influences*. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, 13(4), pp. 200-221.
- Kaufmann, D (2004). *Change through innovation in family businesses: Evidence from an Italian sample*. World Review of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development, 9(2), pp. 195–215.
- Levitte, D. F (2018). *Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error*. Journal of marketing research, pp. 39-50.
- Licheng, C (2004). *The Partial Least Squares (PLS) Approach to Causal Modeling: Personal Computer Adoption and Use an Illustration*. Technology Studies (2:2), pp. 285-309.
- López-Contreras, N., Puig-Barrachina, V., Vives, A., Olave-Müller, P., & Gotsens, M. (2021). *Effects of an urban regeneration program on related social determinants of health in Chile: A pre-post intervention study*. Health & Place, 68, 102511.
- Magalhães, J. M (2015). *The Importance of Empowerment in Entrepreneurship. In Inside the Mind of the Entrepreneur*. (pp. 185-206). Springer, Cham.
- Mukhopadhyay, M (2020). *Total quality management in education*: SAGE Publications Pvt. Limited.
- Neffke, A (2018). *Entrepreneurship contribution to the three pillars of sustainable development: What does the evidence really say?* World Development, 106, pp. 64-77.
- Nolan, J . E. P (2011). *Entrepreneurship education programmes: How learning, inspiration and resources affect intentions for new venture creation in a developing economy*. The International Journal of Management Education, 18(1), 100327.
- Portney, P (2016). *User innovation and entrepreneurship: Case studies from rural India*. Journal of Innovation and Entrepreneurship, 4(4), 5.
- Pumcave, H. N. (2016). *Harnessing difference: A capability-based framework for stakeholder engagement in environmental innovation*. Journal of Product Innovation Management, 35(2), pp. 254–279.
- Rasmussen, J (2010). *Innovation for inclusive growth: Towards a theoretical framework and a research agenda*. Journal of Management Studies, 49(4), pp. 661–683.
- Renko, E (2017). *A Structural Equation Model of Empowerment Factors Affecting Nurse Practitioners Competence*. Nurse Education in Practice, 29, pp. 63-72.
- Rockman, H. I (2007). *Prioritizing successful entrepreneurial skills: An emphasis on the perspectives of entrepreneurs versus aspiring entrepreneurs*. Thinking Skills and Creativity, 34, 100603.

Sally, J.R (2018). Biological Naturalism, In Velmans, M & Schneider, S (Eds), *The Blackwell Companion to Consciousness*. Blackwell Publishing Ltd, 34(1), pp. 137-163.

Simpson, A., Farrelly, N., Holliday, I (2018). *Routledge handbook of contemporary Myanmar*: Routledge.

Trillo, R. (2019). *Empowerment planning in regional development*. European Planning Studies, 18(11), pp. 1805-1819.

Vasylchenko, H (2018). *Tourism development, rights consciousness and the empowerment of Chinese historical village communities*. Tourism Geographies, 16(5), pp. 772-784.

Vries, J (2019). *Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies*. Strategic management journal, 20(2), pp. 195-204.

Zhai, Y (2013). *Structural empowerment, job stress and burnout of nurses in China*. Applied Nursing Research, 31, pp. 41-45.